



همایش مردمی در قلعه بابک ۸ و ۹ تیر

آحق سوز

AÇIQ SÖZ



بابک قهرمان راه آزادی و نماد ظلم ستیزی

نشریه سیاسی، فرهنگی واجتماعی جمعیت اسلامی
دانشجویان دانشگاه زنگان سال اول پیش شماره

بابک کیست؟

مارکس در ایدئولوژی آلمانی می نویسد: جامعه مدنی کانون راستین و تئاتر تمامی تاریخ است. نگاهی به تاریخ همواره موید این مطلب است که یک موضوع تاریخی باید از مناسط و زوایای مختلفی که از سوی مورخین نگاشته شده، مورد توجه قرار گیرد و چه بسا زندگانی و مبارزات فردی از دید یک مورخ مثبت و از دید مورخ دیگری منفی تلقی گردد و آنچه مهم است باید به نظرات مورخینی که فارغ از احساسات و عواطف و یا وابستگی به مراکز قدرت تاریخ می نگارند، بیشتر اهمیت داده شود. تا سره از ناسره تمیز گردد.

در این راستا "بابک" نیز از جمله افرادی است که از سوی مورخین شدیداً مورد تأیید و تکریم واقع شده و به لحاظ حساسیت موضوع هر دو متن به شرح زیر تقدیم خوانندگان میگردد که لازم است ملت شریف آذربایجان خود قضاوت کنند چرا که در آینده نیز شاهد قضاوتهای نادرست برخی مورخین چاپلوس در مورد قهرمانان ملی آذربایجان خواهیم بود. البته بی شک شخصیت قهرمان ملی آذربایجان "بابک" بر ملتمان آشکار است و تجمع میلیونی ملت آذربایجان در چند سال اخیر جهت اعلان انزجار از سیاستهای تبعیض آمیز شوونیسم فارس علیه ملت غیور آذربایجان و رساندن ندای حق ملی آزادخواهی خود به گوش مجامع بین المللی و نمایش همبستگی و عزم راسخ ملت آذربایجان جهت اعاده حقوق پایمال شده مادی و معنوی خود در قلعه بابک نشانگر محبوبیت این قهرمان ملی در میان ملتمان می باشد و هر ساله بر شدت عظمت این قورولتای ملی علیرغم جلوگیری رژیم از اجرای این مراسم با شکوه، افزوده می شود و بار دیگر تجدید پیمان بین ملت آذربایجان صورت می گیرد.

قندی بر زندگانی بابک خرمدین از زوایای مختلف:

دیدگاه اول: متن زیر توسط سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران سال گذشته همزمان با شروع مراسم قلعه بابک در بسیاری از شهرهای آذربایجان بین مردم توزیع گردیده بود؛ اولین کسی که اخبار بابک را جمع آوری کرده است، واقف بن عمر تمیمی می باشد. واقف می گوید، پدر بابک روغن فروشی از مردم مدائن(قسمتی از عراق امروزی) بود. وی به منظور فروش روغن از روستایی به روستای دیگر مهاجرت می کرد تا اینکه وقتی به روستاییه نام جلال آباد رسید، شیفته زنی بد کاره میشود.

آغ آتیم ، قول قانادیم آت قدیمین قلعه بابکدن آشاق
قره گولنن ساواشاق آت گؤلونده ن سس آتوب
بابکین حالین سوروشاق

منابع:
۱. سعید نفیسی: بابک خرمدینی دلاور آذربایجان ص ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۱.
۲. لغت نامه دهخدا: بابک خرمدینی

روزی آن دو در بیشه ای خارج از روستا به شراب و عشرت وآوازه خوانی مشغول بودند. زنانی که برای آوردن آب از روستا خارج شده بودند، متوجه صدای آواز عشرت آنان می شوند و در پی محل آنان می گردند که متوجه آن دو نفر می شوند و بلا فاصله زنان غیرتمند آذری به آنان هجوم برده و زن بد کاره را دستگیر کرده و مرد نیز پا به فرار می گذارد. آواز این رسوایی در روستا می پیچد و مرد روغن فروش ناچار به ازدواج با آن زن بد کاره می شود. حاصل این ازدواج پسر است به نام "بابک".

دیدگاه دوم: پدر بابک در یک درگیری در کوه سیلان جان خود را از دست می دهد. روزی فردی به نام جاویدان که یکی از راهزنان و خرابیان آذربایجان بود که بر اثر سرما و برف شدید ناچار به ورود و اسکان در روستای جلال آباد می شود و چون اهالی روستا اعتمادی به وی نداشتند او را به خانه مادر بابک راهنمایی می کنند و جاویدان شبی را در آنجا می گذراند. جاویدان بابک را به خدمت خویش در می آورد تا او را در سلک راهزنی وارد سازد. بابک فنون شمشیر زنی، اسب سواری، تیر اندازی، جنگیدن را از جاویدان فرا گرفت لیکن چون در خانواده نا سالم و محیطی آکنده از خصلتهای ضد اخلاقی تربیت یافته بود، با همسر جاویدان روابط نامشروع برقرار کرد. جاویدان پس از مدتی در یکی از جنگها بر ضد راهزن دیگری به نام ابو عمران زخم عمیقی برداشت و کشته شد. زن جاویدان در نقشه از پیش طراحی شده یاران جاویدان راجع کرد و گفت: جاویدان امشب به من گفت من می میرم و روحم از پیکرم به پیکر بابک منتقل می شود. پس بابک رئیس و رهبر شماس و هر کس از او پیروی کند، دین ندارد.

دیدگاه سوم: پدر بابک در یک درگیری در کوه سیلان جان خود را از دست می دهد. روزی فردی به نام جاویدان که یکی از راهزنان و خرابیان آذربایجان بود که بر اثر سرما و برف شدید ناچار به ورود و اسکان در روستای جلال آباد می شود و چون اهالی روستا اعتمادی به وی نداشتند او را به خانه مادر بابک راهنمایی می کنند و جاویدان شبی را در آنجا می گذراند. جاویدان بابک را به خدمت خویش در می آورد تا او را در سلک راهزنی وارد سازد. بابک فنون شمشیر زنی، اسب سواری، تیر اندازی، جنگیدن را از جاویدان فرا گرفت لیکن چون در خانواده نا سالم و محیطی آکنده از خصلتهای ضد اخلاقی تربیت یافته بود، با همسر جاویدان روابط نامشروع برقرار کرد. جاویدان پس از مدتی در یکی از جنگها بر ضد راهزن دیگری به نام ابو عمران زخم عمیقی برداشت و کشته شد. زن جاویدان در نقشه از پیش طراحی شده یاران جاویدان راجع کرد و گفت: جاویدان امشب به من گفت من می میرم و روحم از پیکرم به پیکر بابک منتقل می شود. پس بابک رئیس و رهبر شماس و هر کس از او پیروی کند، دین ندارد.

ثانیاً: طرح عناصری مانند بابک جز مقابله با اسلام و انقلاب اسلامی و همچنین پیشبرد اهداف استکباری در منطقه خاورمیانه به ویژه تحقق اهداف صهیونیست را ندارد. در غیر این صورت لزوم تبلیغ عناصری مانند بابک خرم دین با فرهنگ و تمدن نافذ اسلامی چیست؟ و اساساً چرا بر عناصر واقعاً قهرمان و مسلمان مانند شیخ محمد خیابانی و غیره تأکید نمی شود و اصولاً چه کسانی غیر از صهیونیستها در پشت پرده قلعه بابک پنهان شده اند ...
آذربایجان اوپاخدی انقلابا دایاخدی اولکه میزده دینی میزیدن قاپاخدی

در تاریخ ذکر شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم. نظام الملک در کتاب سیاست نامه می نویسد یک نفر از جلاخان بابک دستگیر شده بود از او پرسیدند که تو چند نفر را کشته ای؟ گفت بابک جلاخان زیادی داشت اما من سی و شش هزار مسلمان را از پای در آورده ام. اعتماد السلطنه در کتاب منتظم ناصری می گوید که تعداد کسانی که در مدت بیست سال به دست پیروان بابک کشته شده اند به دویست و پنجاه و پنج هزار و پانصد تن می رسد. این خلدون نیز می نویسد که بابک و پیروانش صد و پنجاه هزار نفر را کشته اند. فصیحی خواهی در حوادث ۱۳۹ هجری قمری در باب ابومسلم خراسانی می نویسد: چهار نفر در اسلام به قتل یک میلیون نفر اقدام کردند. اول بو مسلم، دوم حجاج بن یوسف، سوم: بابک خرم دین، چهارم مقفع. در اعتقادات بابک خرم دین و پیروانش مورخین اقوال مختلفی نقل کرده اند. از جمله این اثر در وقایع سال ۲۰۱ می گوید: ایشان(پیروان بابک) از مجوسیان هستند و مردانشان نکاح با مادر، خواهر، دختر، را حلال میدانند و از این باب است که به آنان لقب خرم دین معروف گشته اند و اعتقاد به تناسخ ارواح (انتقال روح به بدن دیگری) داشتند. ابو علی بلعمی در ترجمه تاریخ طبری می نویسد: مذهب بابک، مذهب زندقه بود و هر مسلمانی را از بین می برد و شراب، زنا و هر چه در دین اسلام حرام شده او حلال کرد و اهل آذربایجان و ارمنستان را به کفر و بی دینی دعوت می کرد.
سخن آخر: اولاً: بنا به نقل تاریخ، بابک، دارای شخصیتی ضد دینی و ضد اسلامی است و کسی است که ۲۲ سال از عمر خویش را به مبارزه علیه اسلام گذراند. بنابراین بابک قابلیت تبدیل شدن به یک قهرمان ملی را ندارد!!!
ثانیاً: طرح عناصری مانند بابک جز مقابله با اسلام و انقلاب اسلامی و همچنین پیشبرد اهداف استکباری در منطقه خاورمیانه به ویژه تحقق اهداف صهیونیست را ندارد. در غیر این صورت لزوم تبلیغ عناصری مانند بابک خرم دین با فرهنگ و تمدن نافذ اسلامی چیست؟ و اساساً چرا بر عناصر واقعاً قهرمان و مسلمان مانند شیخ محمد خیابانی و غیره تأکید نمی شود و اصولاً چه کسانی غیر از صهیونیستها در پشت پرده قلعه بابک پنهان شده اند ...
آذربایجان اوپاخدی انقلابا دایاخدی اولکه میزده دینی میزیدن قاپاخدی

دیدگاه دوم: (متن زیر با ذکر منابع و مآخذ، توسط یکی از فعالین خستگی ناپذیر حرکت ملی آذربایجان جنوبی، آقای جواد عباسی به عنوان جواب مردم به متن فوق نوشته شده و در هفته نامه آوای ماکو به چاپ رسیده بود).
بابک در جنوب آذربایجان در محلی بنام بلال آباد زاده شده و ولایت آذربایجان را کشته و از نزدیک وضعیت اسفبار زندگی مردم و جنایات خلفای عباسی را بر ملت و وطن خود دید. پس از آشنایی با جاویدان و شنیدن نظرات آنان به جرگه خرمیان درآمد و پس از مرگ جاویدان رهبری خرمیان را به عهده گرفت و در سال ۲۰۱ ه.ق بر علیه اشغالگران قیام کرد و توانست در طول ۲۲ سال، چهل و دو حمله بزرگ دشمن را دفع و چندین ارتشبد و سپهبد دشمن را شکست داده و اسیر نماید.
نویسنده کتاب مروج الذهب مسعودی می گوید:
نزدیک بود خلیفه را از پیش بردارد، چون سپاهیان بابک لباس سرخ بر تن می کردند به «قیزیل گیم» لر، مشهور شده و از طرف اعراب(خلفای عباسی)، «الحمراء» نامیده می شدند.
در باره اتهام مزدکی بودن بابک «ابن حوقل» در کتاب صورة الارض، که خود در کوههای آذربایجان و بزد گشته به صراحت می گوید: در قریه های ایشان(سرخ جامگان) مساجد است و قرآن می خوانند.
خواجه نظام الملک طوسی با تنفر از شیعیان جهان می نویسد: بهر وقت که خرمدینان خروج کردند، باطنیان با ایشان یکی شدند و ایشان را قوت داده و هر گاه که باطنیان خروج کردند، خرمدینان با ایشان یکی شدند و به تن و مال قوت دادند که اصل هر دو مذهب یکی است.
برای اینکه بدانیم اتهام مزدکی بودن چقدر بوج است بهتر است بدانیم سرخ جامگان باقی مانده چهار هزار سپاهی اعزامی از آذربایجان در جنگ قادسیه با سعد بن ابی وقاص بودند که پس از شکست سپاه ایران در کوفه ساکن شدند که در اثر برخورد محبت آمیز خاندان علی(ع) به دین اسلام ایمان آوردند و تحت نام «الحمراء» به طرفداری از حضرت علی(ع) پرداختند و حتی از آنها مثل مسلم بن عوسجه آذربایجانی از یاران وفادار بسیار نزدیک به حضرت علی(ع) شد که آن حضرت او را برادر خطاب می کرد و همین جنگجویان آذربایجانی در جنگهای مختلف حضرت علی(ع) را همراهی کرده اند و بعد از فاجعه کربلا نیز که حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر ترک

نیم نگاهی به قیام خرم دینان

و در کنار امام حسین بود. برای انتقام از قاتلان امام حسین قیام مختار ثقفی پیوستند و در آن زمان با افزایش جمعیت آنها بیست هزار نفر از این شیر زنان آذربایجانی در قشون مختار ثقفی حضور داشتند و زبان ترکی آذربایجانی در اردوگاه مختار ثقفی به دلیل اکثریت آذربایجانیها حاکم بود. بطوریکه «دینوری» مولف کتاب معروف «اخبار الطول» از قول عمیره بن حباب که از لشکر شام به سبها مختار ثقفی پناهنده شده بود، نقل می کند، که در دیدار با ابراهیم بن مالک اشتر فرمانده ارتش مختار می گوید:

گماهیکه وارد اردوگاه تو شدم اندوهم شدت یافت و این به آن جهت است که تا هنگامیکه پیش تو رسیدم هیچ سخن عربی نشنیدم! یعنی در اردوگاه قیام کنندگان بر علیه امویان، زبان ترکی رواج داشت و بدین جهت است که اقسام کمکهای مادی و معنوی از سوی آذربایجانی به مختار ثقفی ارسال می شد و پس از شکست مختار نیز بیشترین ضربه را آذربایجانی متحمل شد و پس از آن همین جنگجویان قیامی دیگر به نام خرمیان را ترتیب دادند و چنان رعب و وحشتی بر جان خلفای عباسی انداختند که علی بن هشام قاتل امام رضا را برای سرکوب قیام آذربایجانی با لشگری عظیم بسوی آذربایجان روانه کرد. ابو منصور بغدادی مولف کتاب «الفرق بین الفرق» که دشمن خونی شیعیان بود، مجبور به اعتراف می شود که بایک خرمدین، مسلمانی را که در میان اتباع او بودند در اقامه شاعران دینی منع نمی کرد و حتی بایکین ایشان را در ساختن مساجدشان کمک می کردند.۵

چالبتر اینکه خواجه نظام الملک که عاقبت به دست شیعیان کشته شد و بر مزدکی بودن بایک اصرار داشت، ناخودآگاه در مورد جلسات مهم سرخ جامگان می نویسد: خرمدینان هرگاه جمعی سازند یا به مهمی نشینند و به مشاورت پردازند، به ابومسلم و مهدی و فیروز پسر فاطمه که او را کودک دانا خوانند، صلوات دهند.۶

از اینجا نیز به صراحت معلوم می شود که صلوات فرستادن به مهدی در جلسات مهم نشانگر بویجی اتهامات رژیم سپاهپوش عباسی و چیره خواران و مزدوران درباری آنها می باشد. علامه دهخدا در لغتنامه دهخدا جلد سوم درباره بایک خرمدین پس از بیان نظرات کلی تاریخ نگاران درباری تحت حمایت خلفای ستافک عباسی و تبقیح این مزدوران درباره بایک خرمدین چنین اعلام نظر می نماید، روی هم رفته مورخین ایرانی و عرب که در دوره های اسلامی تالیفاتی کرده اند در هر موردی که یک از پیشوایان ملت ایرانی بر پای کرده و بر تازیان بیرون آمده است و نتوانسته اند که مقصود و حقیقت نهضت را بدست آورند و به همین جهت جنبش بر پای کرده و بر تازیان بیرون آمده است و کافر و بدنام خوانده اند و نام شریف و خاطره گرامی او را به تمهت و افترا آلوده اند و درباره گرامی خرمدین نیز همین معامله را می نگریم و بر ما آشکار می شود که این مردان بزرگ را اندیشه ای جز رهایی از یگانگان نبوده و این همه طغیان های بی در پی که مخصوصاً در ۳۰۰ سال اول دستبرد تازیان بر ایران و آذربایجان در تاریخ نیاکان خویش می بینیم، جز برای نجات ملت آذربایجان نمی بینیم و به نقل از سیاست نامه خواجه نظام الملک در ص ۳۸۶ می نویسد: روزی معتصم به مجلس شراب برخواست و در حجره ای شد، زمانی بود بیرون آمد و شرابی خورد باز برخواست و در حجره ای دیگر شد و باز بیرون آمد و شرابی خورد و غسل کرد و مصلی شد و دو رکعت نماز شکر بکرد و به

مجلس باز آمد و گفت قاضی یحیی را که دانی این چه نماز بود؟! معتصم گفت این نماز شکر نعمتهایی است که خدای عزوجل امروز مرا ارزانی داشت که این سه ساعت این سه دختر را دختری ببرم که هر سه دختر دشمن است. یکی دختر ملک روم و یکی دختر بایک و دیگری دختر مازیار. ۸. دکتر شریعتی درباره بایک می گوید: از میان رهبران دو قرن اول اسلامی، بایک تنها شخصی است که از میان توده مردم برخاسته است. ۹

باز می گوید، سازش قهرمانان طرفدار خلافت یعنی اشراف عرب و ایرانی (طاهریان، سامانیان، افشین و...) فرزندان نامشروع ازدواج این دو اشراف بودند و فقط بایک را که درست می گفت بر پای خلیفه ذبح کردند. ۱۰ آری بایک نهایتاً در اثر خفایت افشین اشراف زاده و وطن فروش که فرمانده سپاه خلیفه را بر عهده داشت و با نیزنگ سهل بن سبط حاکم ارمنستان به دام خلیفه افتاد و با خون خود آزادی را به بشریت هدیه داد. آری بایک فریادگسردرها و رنجهای مظلومان و بیچارگان بدبخت و خمسی است بر سر حاکمان زر و زور و تزویر و موشهای سکه پرست و زالوهای چاق و روپنهان بد سیرت و هزار چهره خوش صورت و مظلومی است که در طول تاریخ فرزندان قابیل با تمام بی شرمی در هتک حرمت او کوشیده اند، چرا که او اشراف زاده و سایه پرورده نبود، بلکه از میان مردم زحمتکش و غیرتمند بود که می خواست خودش و ملتش آزاده و سر بلند زندگی کنند. با این توصیف متأسفانه حرکتهای شوونیستی از دیر باز بر علیه تاریخ و فرهنگ آذربایجان وجود داشته و متأسفانه با تمام امکانات و بیت المال در جهت محو و تحریف و تخریب تاریخ و هویت ما و قهرمانان ما که پشتوانه ملی ما هستند، اقدام نمودند و همه اینها حاصل سیاست ترک ستیزی است. اقدام پروسه در مقاطع مختلف زمانی با القاب و مارکهای مختلف بر علیه فعالین حرکت ملی آذربایجان وجود داشته و دارد و طی مرور زمان به ستارخان و خیابانی و پیشه وری و شریعتمداری و بابکها چه نسبتهای ناروایی داده نشده و چه ظلمها و تهمةهایی روا نداشته اند. آیا مبارزه با خلفای عباسی که تاریخ از جنایات آنها شرمگین است آنقدر گناه نابخشودنی است که دستگاههای دولتی با استفاده از بیت المال بایک را با عناوینی شرم آور خطاب کنند و به فرهنگ و هستی این مردم غیور اهانت نمایند پس ما دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را؟!۱۱

تا کی باید حقیقت قربانی مصلحت شود و حقیقت و ماهیت یک ملت انکار گردد؟! کجا معلوم به دلاوران معاصر آذربایجان من جمله باکری ها و... در آینده چنین القابی داده نخواهد شد؟! همه این سیاستهای مزدورانه از دیر باز بصورت پیدا و پنهان وجود داشته که حتی حاضر شده اند و روسیاهان تاریخ بشریت در مقابل راه آزادی و حقیقت ستایش نمایند و متأسفانه آنقدر در سیاست ترک ستیزی و ترک زدایی مشغول شدند که حتی با حمایت مادی و معنوی از افراد معلوم الحال و تروریست، خود را گرفتار نمودند و آب در آسیاب دشمن ریخته اند و وضعیت حاکم در منطقه و مرزهای آذربایجان غربی خود گویای حال است که البته دود این هم به چشم مردم آذربایجان خواهد رفت و برای چندمین بار گوشزد می نمایم اسلام و ایران مساوی فارس بودن نیست و ترکها از نظر قدمت تاریخی از ساکنان اولیه و اصلی این آب و خاکند و با ذبح شرعی نمودن حقیقت نمی توان اصل مسئله را پاک نمود.

ما بارها ثابت کرده ایم، نمی گذاریم به تاریخ و فرهنگ که میراث و خون بهای نیاکان ماست، دهن کجی شود و در مقابل این توطئه ها با تمام وجود ایستاده ایم و بهتر است تا دیر نشده برای یکبار هم که شده واقع بینانه با مسائل آذربایجان برخورد شود که این خواسته همه مردم آذربایجان است.

«آنکس که حقیقت را نمی داند، نادانان است ولی آنکس که حقیقت را می داند و آنرا پنهان می کند، تبهکار است.»

- برتولت برشت
منابع و ماخذ:
۱. مورخ الذهب. مسعودی جلد دوم، ص ۴۷۱
۲. سفرنامه ابن حوقل (ایران در صره الارض) ترجمه و توضیح دکتر چعفر مشعار، ص ۱۱۶
۳. سیرالملوک (سیاست نامه) خواجه نظام الملک به اهتمام هیوبرت دارک، ص ۳۹۰
۴. اخبار الطول، ابوحنیفه احمد بن دینوری، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغنی، ص ۳۳۹
۵. الفرق بین الفرق، ص ۲۰۴
۶. تاریخ ادبیات ایران به نقل از سیاست نامه ص ۴۸۶
۷. لغتنامه دهخدا جلد سوم، ص ۳۸۵۱
۸. لغتنامه دهخدا به نقل از سیاستنامه، ص ۳۸۶
۹. تاریخ و شناخت ادیان، ۲، مرحوم دکتر شریعتی، ص ۲۰
۱۰. تاریخ و شناخت ادیان، ص ۵۵

در طول تاریخ کشورمان از طرف اقوام و ملل گوناگونی مورد تهاجم قرار گرفته که در بعضی از آنها دشمنان و در برخی موارد پیروز گشته اند. و لسی در بین شکست ها و سوختن های میهنمان، یکی از مشکل ترین و خاکسارترین آنها فرمانروائی اموی و عباسی بوده است. کشورمان در این زمان نه تنها استقلال و آزادی خود را از دست داد بلکه شخصیت و غرور ملی و دست آورد های علمی و ادبی و جان و مال و ناموس مردم نیز مورد تعرض قرار گرفت. اعراب در جهت حفظ این فرمانروائی خود به کوچکترین اعتراض در برابر ستم، شدیدترین جوابها را همراه با شدیدترین شکنجه ها و مرگ همراه کردند و مردمانی را که به پامی خواستند می کشند یا به همراه زن و بچه هایشان اسیر کرده و روانه بازاره برده فروشان و یا به حرمسرای خلفا و سرکردگان مینمودند. و بدین سان بود که در کوههای قاراداغ اندیشه رودروئی و جنگ با اعراب در جهت آزادسازی خاک و وطن از دست اوپاش اعراب که در لباس دین اسلام به ایران تاخته و حتی در شناختن از این دین نداشتند و تنها به چپاول و غارت مردم مشغول بودند آغاز وبه مدت ۶۰ سال ادامه یافت. اندیشه ورز این قیام مردی بود بنام جاویدان ابن شهرک از دیار آذربایجان.

جاویدان در جهت اشاعه فکر مبارزه برای آزادسازی کشور از یوغ بندگی اعراب همیشه در حال سفر بوده و برای اینکه سرپوشی برای مسافرتهایش داشته باشد در لباس چادری برای فروش گوسنند و بز به تمام نقاط آذربایجان سفر می نمود و در این راستا با مردم به صحبت می نشست و آنان را به مبارزه علیه حاکم غاصب اعراب آماده می ساخته و همچنین برای مبارزه شروع به جمع آوری اسلحه و تدارکات نموده و آنها را توسط یاران مطمئن خود به قلعه بذر (بوز) می فرستاد که یکی از همین افراد مطمئن عبدالله پدر بایک بود.

جاویدان در راه بازگشت از یکی از همان مسافرتهایش سری به خانواده عبدالله پدر بایک می زند و با بایک از نزدیک آشنا شده و باقی می ماند و می آورد.

بایک پس از درگیری جاویدان با ابوعمران دومیا گوز و سپس مرگش به جانشینی وی روسیاهان تاریخ بشریت در مقابل راه آزادی و حقیقت ستایش نمایند و متأسفانه آنقدر در سیاست ترک ستیزی و ترک زدایی مشغول شدند که حتی با حمایت مادی و معنوی از افراد معلوم الحال و تروریست، خود را گرفتار نمودند و آب در آسیاب دشمن ریخته اند و وضعیت حاکم در منطقه و مرزهای آذربایجان غربی خود گویای حال است که البته دود این هم به چشم مردم آذربایجان خواهد رفت و برای چندمین بار گوشزد می نمایم اسلام و ایران مساوی فارس بودن نیست و ترکها از نظر قدمت تاریخی از ساکنان اولیه و اصلی این آب و خاکند و با ذبح شرعی نمودن حقیقت نمی توان اصل مسئله را پاک نمود.

ما بارها ثابت کرده ایم، نمی گذاریم به تاریخ و فرهنگ که میراث و خون بهای نیاکان ماست، دهن کجی شود و در مقابل این توطئه ها با تمام وجود ایستاده ایم و بهتر است تا دیر نشده برای یکبار هم که شده واقع بینانه با مسائل آذربایجان برخورد شود که این خواسته همه مردم آذربایجان است.

«آنکس که حقیقت را نمی داند، نادانان است ولی آنکس که حقیقت را می داند و آنرا پنهان می کند، تبهکار است.»

برتولت برشت
منابع و ماخذ:
۱. مورخ الذهب. مسعودی جلد دوم، ص ۴۷۱
۲. سفرنامه ابن حوقل (ایران در صره الارض) ترجمه و توضیح دکتر چعفر مشعار، ص ۱۱۶
۳. سیرالملوک (سیاست نامه) خواجه نظام الملک به اهتمام هیوبرت دارک، ص ۳۹۰
۴. اخبار الطول، ابوحنیفه احمد بن دینوری، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغنی، ص ۳۳۹
۵. الفرق بین الفرق، ص ۲۰۴
۶. تاریخ ادبیات ایران به نقل از سیاست نامه ص ۴۸۶
۷. لغتنامه دهخدا جلد سوم، ص ۳۸۵۱
۸. لغتنامه دهخدا به نقل از سیاستنامه، ص ۳۸۶
۹. تاریخ و شناخت ادیان، ۲، مرحوم دکتر شریعتی، ص ۲۰
۱۰. تاریخ و شناخت ادیان، ص ۵۵

هنوز با باگان آید
طین سیهه اسبی
هنوز با باگان آید
شکوه برق شمشیرش
هنوز از آت گولی
فریاد اسبی می دهد آواز
با باگان آید
قاپاق : اوندولماز ایکید قهرمانیمیز
بازان:

رحمتلیک محمدرضا نصیریان
(۳- قاراداغلی)

نشریه آچیق سوز از کلیه
علاقه مندان به فعالیت های
فرهنگی دعوت به همکاری
می کند.

آچیق سوز
نشریه فرهنگی اجتماعی سیاسی
دانشجویان دانشگاه زنگان
پیش شماره
صاحب امتیاز :
جمعیت اسلامی دانشجویان
دانشگاه زنگان
مدیر مسئول : داود خدا کرمی
زیر نظر شورای سردبیری